

Cognitive foundations and causes and a method of forming doubts from the perspective of the Holy Quran

Alborz Mohaghegh Garfami^{*}, Hasan Eslampour Karimi^{}**

Hasan Kharghani^{*}**

Abstract

The apparatus and flow of suspicion and the transmission of suspicions are organized from various components such as the centers of suspicion, the contexts of suspicion, the raw materials of reasoning, the process of reasoning, and the procedures for the transmission of suspicions. In the meantime, recognizing the causes and foundations of suspicion will play an important role in the process of responding to suspicions. In the form of a book that explains the underpinnings and backgrounds of the Holy Quran, in addition to answering the cases of doubt, it has also paid attention to the causes and foundations of the formation of doubt. The present study, by understanding the Qur'anic discourse on this subject, by exploratory-analytical method and basing the Qur'an and the use of library resources, has divided the aforementioned subject into two categories of epistemological causes and methodological foundations. According to the achievement of this article, cases such as insufficient cognition, superstition, following false traditions, applying false presuppositions and determinism are among the epistemological causes of creating doubts. Also methods such as incorrect analogy, incorrect induction, pursuit of similarities, methodological

* Master of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences (Corresponding Author), mohaghegh.gr@gmail.com

** PhD in Western Philosophy, Qom Seminary, eslampur88@gmail.com

*** Associate Professor in Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran, H.kharghani@gmail.com

Date received: 17/07/2021, Date of acceptance: 25/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

exclusivism, selective approach and following the misguided can be evaluated in the methodological sphere.

Keywords: Quran, skepticism, cognitive causes, methodological causes.

بنیان‌ها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری شبهات از نظرگاه قرآن مجید

البرز محقق گرفمی*

حسن اسلام‌پور کریمی**، حسن خرقانی**

چکیده

دستگاه و جریان شبهه‌سازی و انتقال شبهات از مؤلفه‌های گوناگونی مانند کانون‌های شبهه‌گری، بسترهای ایجاد شبهه، مواد اولیه استدلال، فرآیند استدلال و رویه‌های انتقال شبهات سامان یافته است. درین میان، شناخت علل و بنیان‌های ایجاد شبهه، نقش مهمی در فرآیند پاسخ‌گویی به شبهات خواهد داشت. قرآن مجید، در قامت کتابی که به تبیین زیربناها و پی‌رنگ‌ها می‌پردازد، افزون بر پاسخ‌گویی به موارد شبهه، به موضوع علل و بنیان‌های شکل‌گیری شبهه نیز توجه داشته است. پژوهش حاضر با درک گفتمان قرآنی در این موضوع، به روش اکتشافی - تحلیلی و مینا قرار دادن قرآن و بهره از منابع کتاب‌خانه‌ای، موضوع پیش‌گفته را به دو رده علل معرفتی و بنیان‌های روشی افراز کرده است. بر اساس دستاورد این نوشتار، مواردی چون شناخت ناکافی، خرافه‌گرایی، پیروی از سنن نادرست، کاریست پیش‌فرض‌های نادرست و جبر‌گرایی در شمار علل معرفتی ایجاد شبهات به‌شمار می‌روند. هم‌چنین روشهایی مانند قیاس نادرست،

* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)،

mohaghegh.gr@gmail.com

** دکترای فلسفه غرب، حوزه علمی قم، eslampur88@gmail.com

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران،

H.kharghani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

استقراء نادرست، پیگیری تشابهات، حصرگرایی روش شناختی، برخورد گزینشی و پیروی از گمراهان در سپهر روش شناختی قابل ارزیابی هستند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شبهه‌گری، علل شناختی، علل روشی.

۱. درآمد

پرسش‌گری و شبهه‌گرایی، پیشینه‌ای به قدمت خلقت نخستین آدمی دارد. در بیان قرآن، پرسش فرشتگان از علت خلقت آدم و شبهه شیطان در برتری بر آدم، مقارن خلقت آدم است. هم‌چنین روند شبهات دینی را در تاریخچه هر دین و زندگی نامه هر پیامبری می‌توان جست. این روند از نخستین لحظات آشکار شدن دین خاتم توسط پیامبر اسلام نیز ادامه یافت. اهل باطل آن عصر، پیکار خود را با برانگیختن شبهات و اقسام شک در گفته‌های پیامبر آغاز کردند. یکی از بنیادی‌ترین انگیزاننده‌های مردمان آن عصر در مخالفت با رسول خدا (ص) و دعوت ایشان، سپهر حاکم بر نظام فکری و کُنشی ایشان بود که ذیل آن فرهنگ جاهلی قابل بازخوانیست. قریش در مکه و یهود در مدینه، سررشته داران این جریان بودند. پیامبر اسلام با بهره از قرآن نیز همواره با حجتها و براهین خود عهده دار ابطال این شبهات بود (فرقان: ۳۳). تاجاییکه ابن کثیر دمشقی با ذکر روایتی همه قرآن را پاسخ به شبهه میدانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۶، ۹۸). سیوطی نیز سوره بقره را در بردارنده پایه‌های دین و بیان برهان و نیز سوره آل عمران را کامل کننده مقصود و به منزله جواب شبهات مخالفان میدانند (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۲۶). روند پاسخ به شبهات و معرفی عناصر آن پس از رحلت پیامبر اسلام بر دوش معصومین و دانشوران آگاه مسلمان بوده و تا کنون ادامه دارد.

عنایت ویژه قرآن در پاسخ‌گویی به شبهات طی قواعد مهمی در قرآن تبیین شده‌است. قرآن از یک سو خود به رفع و دفع شبهات می‌پردازد و از دیگر سو ضرورت پاسخ‌گویی را وظیفه آگاهان می‌داند. قرآن کریم پاسخ‌گویی به شبهات و جنگ شناختی با دشمن براساس آیات الهی را جهاد اکبر نامیده (فرقان: ۵۲) (بیشینه مفسران برین باورند که ضمیر در «به» در عبارت «وجاهدکم به جهادا کبیرا»، به شهادت سیاق به قرآن مربوط بوده و نبرد بزرگ با دشمنان را بیان معارف قرآن و استفاده از حجت‌های قرآن برای دفع جنگ فکری آنها و هدایتشان می‌دانند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۲۲۸). و جدال احسن را روشی بنیادین دعوت

به آموزه‌های پیامبران معرفی می‌کند (نحل: ۱۲۵). نیک روشن است که رسیدن به پاسخ شبهه، مبتنی بر مجموعه‌ای از عناصر و پیمودن گامهایی است که پاسخگو از آنها بهره می‌گیرد. درین میان یکی از عناصر کلیدی، شناخت مؤلفه‌های معرفت بنیان و روش شناختی ایجاد شبهات است.

۲. پیشینه

در تاریخ اندیشه اسلامی، نوشته‌هایی می‌توان یافت که وظیفه پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی را بردوش کشیده‌اند. مهمترین این کتب در سده اخیر «شبهات و ردود» استاد معرفت، «راز بزرگ رسالت» و «نقد بازشناسی قرآن» به قلم استاد جعفر سبحانی و کتاب «مراجعات قرآنی؛ اسئله، شبهات و ردود» نوشته سید ریاض حکیم هستند که تنها به پاسخ‌گویی برخی شبهات پرداخته و به روش شناسی یا الگوسازی برای پاسخ به شبهات توجهی نداشته‌اند. در علم منطق نیز، روش گزاره (پیام) شناسی و تبیین روشهای عمومی رویارویی با مغاطات پی گرفته شده است، اما درین کتب هیچگاه نه تعریف اصطلاحی جامعی از شبهه ارائه شده، نه از تقسیمات، علل و انگیزه‌های ایجاد شبهه، گروه‌های حامل شبهه و کانون‌های متأثر از شبهه سخن رفته است. مقاله «بایسته‌های شبهه پژوهی و شبهه‌شناسی» به برخی از روش‌های تولید شبهه مانند مغالطه اشاره کرده است. نوشتار «افشای طرح ایجاد فتنه در قرآن کریم» نیز برخی از روش‌های عمومی شبهه‌گری مانند فتنه‌انگیزی، کتمان و تحریف حقایق را بصورت کلی برشمرده است. مقاله «سبب‌شناسی نفاق از منظر منابع اسلامی» نیز به جنبه‌های روان شناختی و رفتاری یکی از گونه‌های شبهه‌گری یعنی نفاق پرداخته است. مقاله «روش شناسی شبهه در قرآن» و کتاب «منطق پاسخ دهی قرآن» به کوشش سعید بهمنی نیز با تقسیم روش‌های پاسخ‌گویی به دو رده کلی رفتاری و گفتاری، تنها به یک جنبه از خصوصیات پاسخ‌گویی توجه کرده و از مؤلفه‌های دستگاه شبهه‌ساز یادی نکرده است. با این همه نوشتار جامعی که دیدگاه قرآنی را درباره علل ایجاد شبهات پی گرفته باشد، تاکنون یافت نشده است.

نوآوری نوشتار حاضر در دو حوزه شناخت شناسی و روش شناسی فرآیند ایجاد شبهه قابل ارزیابی است. دسته بندی منطقی گونه‌های مؤثر این دو حوزه در ایجاد شبهات، نیز تلاشی نوین در تفسیر موضوعی محسوب میشود. موضوع اصلی این شاخه

«شبهه‌گری از منظر قرآن» است که خود به موضوعات متفاوتی از قبیل انواع شبهه، شبهه‌گران، حاملان شبهه، روش پاسخ‌گویی قرآن به شبهات، عنوان‌گذاری شبهات در قرآن، عناصر پاسخ‌گویی به شبهه و... تقسیم می‌شود.

۳. انگاره‌ها و مفاهیم بنیادین

۱.۳ تعریف لغوی و اصطلاحی شبهه

شُبْهه بر وزن فُعْله برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، ماندهٔ حق (به مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۴۳؛ صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چیستی و چگونگی است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳). پس هر گاه پدیده‌ای بیهوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار در آورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد. از همین رو آن پدیده نادرست را شبهه‌گویند.

۱.۱.۳ شبهه در اصطلاح علم کلام

هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها، روند استدلال و نتیجه‌گیری است. برای نمونه، برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل شده و غرض از آن اثبات حق است. دستگاه شبهه‌سازی حداقل در یکی از این مؤلفه‌ها دچار اختلال و کاستی است. به همین دلیل بر نوعی استدلال یا برهان نیمه‌تمام استوار است.

در علم کلام، شبهه را چنین تعریف کرده‌اند: «ارائه دلایل فاسد و توجیهات نادرست به‌منظور حق جلوه دادن باطل و برعکس» (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۰). از آنجا که در پاره‌ای موارد، هم دلیل و هم توجیه (روش) در دستگاه شبهه‌سازی درست می‌نماید و تنها نتیجه برآمده از آنها نارواست، این تعریف کامل به نظر نمی‌رسد. چرا که نتیجه‌گیری نادرست از مواد اولیه درست هم سبب شبهه‌سازی می‌شود. براین اساس، شبهه را چنین تعریف می‌کنیم: «هر انگاره یا رفتار استدلال گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش میکشد یا سبب کج‌تابی در شناخت درست آنها می‌شود شبهه نام دارد». این انگاره (گزاره) یا کُنْش استدلالی، کاملاً منطقی نیست؛ بلکه شبهه استدلال است

که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی، از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت یا آمیختن حقیقت با استدلال‌های نادرست درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.

در تعریف فوق، دستگاه شبه استدلالی به معنای روندی است که به ظاهر حق می‌نماید اما در واقع حق و باطل در آن به هم آمیخته شده‌اند. درین تعریف، دامنه این کج تابی، تنها گزاره‌های دینی است. در شبهه گاهی مقدم و تالی درستند ولی نتیجه اشتباه است. گاهی مقدم و تالی نادرستند و نتیجه درست و گاهی هم مقدم و تالی و هم نتیجه نادرستند.

در یک نگاه کلی هر واژه‌ای که بیانگر گونه‌ای از رفتار یا گفتار باشد که سبب کج فهمی و دور کردن افراد از مسیر صحیح دینی شود با سپهر معنایی شبهه، اشتراکاتی خواهد داشت. برخی ازین واژگان عبارتند از: إضلال در معنای منحرف کردن دیگران از راه مستقیم و مانع شدن از هدایت (راغب: ۱۴۱۲: ۵۰۹)، جدال در معنای گفتگوی همراه با نزاع و غلبه جستن بردیگری (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۷، ۲۹)، مرأ به معنای نزاع نمودن در بطلان حقیقت پس از روشن شدن آن و به تردید و ادا داشتن و ایجاد شک در اندیشه درست دیگری (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۴، ۳۲۲)، مغالطه به معنای فریب دادن در تصدیق به مفاد قضیه‌ای خاص، مصادیق فتنه به شکل بازداشتن دیگران از حقایق دینی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۴)، تلبیس در مفهوم آراستن باطل در لباس حق (ابن جوزی، ۲۰۱۴: ۵۱)، اختصاص در معنای ویژه نبرد کردن لفظی برای چیرگی بر حق (زخرف: ۵۸)، مرأوده در معنای تلاش برای بازگرداندن کسی از نظرش (یوسف: ۲۶)، تکذیب در کار بست نسبت دادن دروغ‌گویی بر حق‌گویان و پیامبران (شعراء: ۱۰۵) و معارضه از ریشه عرض در معنای مخالفت همراه علم به حقانیت طرف مقابل و نقض کردن گفته .

رابطه میان مفهوم شبهه و این واژگان عموم و خصوص من وجه خواهد بود. پس در قرآن نیز هرگونه انحراف فکری، کتمان حقایق دینی و تکذیب انبیاء و آموزه‌های آنها شبهه محسوب می‌شوند.

۲.۳ بنیان‌های ایجاد شبهه

تحلیل منطقی شبهه، روندی است که در آن عناصر سازنده شبهه واکاویده می‌شوند. از آنجا که شبهه، سازوکاری نیمه استدلالی و شبه منطقی دارد باید عناصر تشکیل دهنده این دستگاه

را به خوبی شناخت تا پاسخی مناسب فراهم آورد. روش پاسخ دهی به شبهه و روش تعامل باشبهه‌گران و شبهه‌گرایان نیز تابع روش ابراز شبهه است. ازینرو نباید از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری روند شبهه‌سازی غفلت کرد. بر این اساس، بنیان‌های ایجاد شبهه را چنین تعریف می‌کنیم: «مجموعه‌ای از رهیافتهای که بر منابع، ساختار، روش و ابزارهای شناختی استوار بوده و در پی راستی‌نمایی گزاره‌هایی هستند که این گزاره‌ها با دقت علمی، استوار نمی‌نمایند».

قرآن کریم نیز ازین رویکرد در پاسخ‌گویی به شبهات بهره برده است و نه تنها به مباحث نظری شبهه و عناصر حل و نقض شبهه، بلکه به علل ایجاد شبهه و انگیزه‌های آن نیز توجه دارد. نمونه‌ای آشکار از این توجه عصری قرآن را در نقد و مبارزه مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی می‌توان جست. کمینه محاسن شناخت علل و بسترهای ایجاد شبهه، در تسهیل به پاسخ‌گویی به شبهات و آگاهاندن کانون‌های تأثیر پذیر از شبهه هویدا خواهد شد.

۴. گونه‌شناسی علل ایجاد شبهه از منظر قرآن

بهره بسیار اندک آدمی از گستره ژرف آگاهی و دانش (اسراء: ۵) در کنار کاربست روش‌های نادرست شناختی، سبب ایجاد عنصر تردید در وجود آدمی می‌گردد. رهایی ازین چالش، با پیمودن مسیر علمی آمیخته با برهان و بهره از مواد معتبر استدلال ممکن خواهد بود. اما گام‌نهادن در فرآیند استوار بر براهین نادرست، تردیدها را به شبهات بدل می‌کند. نیک روشن است میان شکل‌گیری شبهه در نظام معرفتی با سامان‌دادن و ترویج آن تفاوت‌های وجود دارد که از انگیزه‌های گوناگون سرچشمه می‌گیرند. نامفهوم بودن گزاره‌ها و اشتباه در ادراک به شکلی طبیعی سبب ایجاد شبهه میشود. این فرآیند تفاوت‌های ماهوی با سامان‌دهی گزاره‌ها برای ایجاد شبهه دارد.

از دیدگاه قرآن، آب‌سخور تولید شبهات، مفهوم کلان کفر در پندار، گفتار و رفتار آدمی‌ست. گرچه مفهوم کفر افزون بر جنبه معرفت‌شناختی، دارای زمینه‌های روان‌شناختی و اخلاقی هم هست ولی اثر گذاری آن بر نظام شناختی آدمی کتمان‌ناپذیر است.

کُفر در لغت به معنای پوشاندن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ۱۴۴) بوده و در مصادیقی چون پنهان کردن دانه در زمین توسط کشاورز، پوشاندن بدن با زره جنگی و نادیده گرفتن نعمت‌های الهی به کار می‌رود. همگی این مصادیق را زیر چتر اولین معنا می‌توان جست.

بنیانها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری ... (البرز محقق گرمی و دیگران) ۹۳

هم‌چنین، کفر در برابر ایمان، به معنای پوشانیدن حقایقی چون وجود پروردگار، قیامت و نبوت پیامبران خواهد بود.

قرآن کریم در ترسیمی کلان، شبهه افکنی و اختلافات عقیدتی منکران توحید، نبوت و معاد را برآمده از کفر و شرک معرفی میکند (انعام: ۲۵، ۶۴-۶۸؛ سبأ: ۸). هم‌چنین پرسش‌های بی‌جای ایشان درباره مثل‌های قرآنی، رسالت، عدم نزول معجزه و معاد را برآمده از کفر می‌شمارد (بقره: ۲۶؛ اسراء: ۹۴؛ رعد: ۲۷؛ جاثیه: ۳۱-۳۲). در قرآن کریم دشمنی با پیامبران و فرشتگان، اختلاف و تفرقه افکنی در جامعه ایمانی، دروغ‌پردازی، استهزاء، معارضه و مجادله برخی از روش‌های شبهه‌انگیزی کافران شمرده شده‌اند (بقره: ۹۸؛ توبه: ۱۰۷؛ نساء: ۱۵۱؛ مؤمن: ۵).

ایجاد شبهات افزون بر زیر بنای فکری کافران، بر علت‌ها و انگیزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی استوار است. برای نمونه برخوردار بودن از ثروت در کنار کفر عامل اصلی انکار معاد (مؤمنون: ۳ و ۳۵) و شبهه‌گری در دعوت انبیاء معرفی شده‌است (اعراف: ۷۳ و ۷۵). هم‌چنین آلودگی و انحراف قلبی کافران، سبب دنباله روی آنان از متشابهات دانسته شده‌است (آل عمران: ۷). درهم آمیختن کفر و پیروی از اندیشه‌های پوسیده گذشتگان نیز سبب انکار قرآن و توهین به پیامبر (ص) تبیین شده‌است (سبأ: ۴۳).

بر این اساس، کفر و شرک آبشخور انواع انحرافات فکری و عملی هستند. روشن است که این مفاهیم در معانی عام خود ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری و حتی گستره باورهای درونی انسان‌ها را در برمیگیرند. افزون بر نقش بنیادین کفر در شکل‌گیری شبهات نظام معرفتی آدمی، علت‌هایی چون بهره از منابع و ابزار نادرست شناختی، روش نامناسب معرفتی و فهم نادرست گزاره‌ها و حقایق در ایجاد و ترویج شبهات نقش آفرین هستند. هم‌چنین انگیزه‌های فردی، سیاسی، گروهی و مذهبی به فربه‌گی شبهه خواهند انجامید. در ادامه برخی از علل شناختی و روشی ایجاد شبهات از منظر قرآن را پی می‌گیریم.

۱.۴ معرفت‌شناسی نادرست

مطالعه بر روی معرفت و روش شناخت را معرفت‌شناسی می‌نامیم. موضوع مورد مطالعه در این نوع از تحقیق، خود علم و معرفت یا روش‌های رسیدن به آن است. نیک روشن است که انواع ابزارهای معتبر شناختی یعنی حس، عقل، فطرت، گزاره‌های نقلی و در

پاره‌ای موارد، مکاشفات شهودی در روند رسیدن به معرفت نقش آفرین بوده و بهره‌گیری نامعتبر از هریک ازین موارد، سبب ایجاد معرفت ناقص و نادرست می‌شود. قرآن مجید نیز بهره‌نبردن از انواع ابزارهای شناختی پیش گفته را زمینه ساز ایجاد انحراف، گمراهی و ایجاد شبهات می‌داند (اعراف: ۱۷۹؛ کهف: ۵۷؛ جاثیه: ۲۳).

در میان گونه‌های حصول معرفت، برخی از آن‌ها جنبه مبنایی در بافتار ذهنی آدمی دارند. پیش‌فرض‌ها و تصورات نادرست درباره هستی، آفریننده، راهنمایان حقیقی، معاد و علت خلقت درین رده قرار می‌گیرند.

۱.۱.۴ ناآگاهی و شناخت ناکافی

نیک روشن است که آگاهی و شناخت در کنار زدودن پرده‌های جهل، مهم‌ترین مایه برای درمان ماندن از انحرافات فکری، اخلاقی و رفتاری است. تا جاییکه منشاء اقتدار هر موجودی با سنجه بهره‌مندی از علم سودمند سنجیده می‌شود. بهره‌مندی از برخی آگاهی‌های متصل به ملکوت نیز، خود مایه چیرگی نسبی بر نظام تکوین می‌گردد. همان‌گونه که یکی از اطرافیان حضرت سلیمان به سبب اتصال به خزانة غیبی معرفت، بر امور نامتعارفی چون جابجایی فوق‌سریع اشیاء، موفق گردید (نمل: ۴۰).

بی‌گمان مهم‌ترین بن مایه ایجاد شبهات و ترس‌های نابجا، ناآگاهی است. اما مسأله مهم این‌جاست که برای زدودن این ناآگاهی چه روشی پسندیده است. قدسی‌ترین نمونه محدودیت آگاهی که سبب پرسش‌گری باهدف رسیدن به آگاهی صورت گرفت، پرسش فرشتگان از پروردگار پیرامون چرایی آفرینش آدم است (بقره: ۳۳). پروردگار نیز در پاسخ به ملائک، صغرای استدلال ایشان یعنی انگاره آگاهی فرشتگان از آینده و گوهر وجودی آدمی را به چالش می‌کشد و بر کبریات دستگاه شبه‌استدلالی ایشان یعنی عدم شایستگی فاسدان و خون‌ریزان برای جانشینی خدا در زمین، خدشه‌ای نمی‌کند. عناصر پاسخ‌گویی پروردگار به این تردید بامحوریت ناآگاهی ملایک، پانزده بار در آیات ۳۰-۳۳ سوره بقره با عباراتی چون اعلم، لاتعلمون، و علم، عرضهم، انبئونی، لاعلم لنا و... آمده است. باید توجه شود درین آیات، تنها علم مطلق از فرشتگان نفی شده ولی نسبت جهل به آنها داده نشده است.

کاستی آگاهی از تعالیم الهی، زمینه ساز گمراهی شخصی و به انحراف کشیدن سایرین نیز می‌شود (نساء: ۴۴). قرآن کریم علت گمراهی عده‌ای را، پیروی از افرادی می‌داند که به خاطر هوای نفس و شهرت طلبی، بدون علم دیگران را گمراه میکنند (انعام: ۱۱۹). به گواهی قرآن، یکی از گونه‌های شبهه‌سازی جریانهای منحرف و مدعی، استعمار فکری و تلاش در کاستن از محدوده آگاهی افراد است (زخرف: ۵۴) تا در اثر این نقیصه، مردم به سادگی در دام شبهات گرفتار آیند و به سوی جریانهای منحرف متمایل شوند.

آیات الهی، دانش ناکافی را مایه اصلی بت پرستی افرادی چون آزر می‌داند (مریم: ۴۳). ناآگاهی و برخوردار نبودن از مایه‌های علمی، سبب جدال و شبهه‌انگیزی در نشانه‌های حقانیت گفتمان پیامبران نیز دانسته شده‌است (غافر: ۵۶). قرآن کریم پس از رفع شبهه‌سازی اهل کتاب عصر پیامبر درباره موافقت ابراهیم با دین ایشان، این گونه شبهات را ناشی از ناآگاهی ایشان می‌داند (آل عمران: ۶۶). هم چنین، برهان تراشی با وجود جهل درکنار گریز از هدایت‌گری عام پروردگار، زمینه ساز جدال درباره خدا میشود (حج: ۸؛ لقمان: ۲۰). تا جایی که قرآن به شبهه‌گری و گفتگو از روی ناآگاهی زنهار داده است (شوری: ۱۶).

در جامعه عصر نزول نیز، یکی از مهمترین علل شبهه‌گری و شبهه‌گرایی، فرهنگ حاکم بر نظام معرفتی افراد ارزیابی می‌شود. این مجموعه شناختی و عملی، که با عنوان فرهنگ جاهلی نام بردار است به سبب نفوذ و سیطره مؤلفه جهل در ابعاد مختلف معرفتی و زیستی آن، آموزه‌های نوین را بر نمی‌تافت و به پیکار با آنها می‌پرداخت. درخور توجه است که جهل در این فرهنگ تنها به معنای مفهومی در برابر علم و آگاهی قرار نمی‌گیرد. بلکه گوهر مفهومی آن را در برابر مفهوم حِلْم باید جست. در فرهنگ‌شناسی عرب‌های عصر نزول، توجه به ویژگی‌های خُلُقِ ایشان در شناخت مفهوم جهل بسیار مؤثر است. در این رویکرد، جهل، حالتی خواهد بود که در اثر دچاریدن به آن، فرد با کوچکترین عوامل تحریک‌کننده، دچار انگیختگی شده و بدون توجه به پیامدهای رفتار خویش، دست به اقدام می‌زند. در این وضعیت، بهره از خرد در سست‌ترین حالت خویش قرار می‌گیرد. نقطه مقابل این مفهوم، مآل اندیشی و عاقبت‌نگری خردمندانه است. بر این اساس، بهره‌نبردن از گوهر خرد و دانش، یکی از آثار و نمودهای فرهنگ جاهلانه ارزیابی می‌شود. برخی معتقدند که بدون شناخت دو مفهوم جهل و حلم، نظام روان‌شناسی فرهنگ جاهلی به درستی قابل درک نخواهد بود (ناصری مقدم، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ۵۲۸). سیطره

رویکرد جاهلانه پیش گفته سبب مقابله مشرکین عصر نزول با آموزه‌های نبوی می‌شد. یکی از جنبه‌های این مقابله در جریان شبهه سازی‌های بی‌مبنا و برآمده از انگاره‌های خرافی، قابل ارزیابی است.

دراحدیث اهل بیت نیز به خطر جهل برایجاد شبهات و فتنه‌گری اشاره شده است. علی(ع) منشأ اختلاف فکری و عملی توده‌های مردم را، سخن گفتن جاهلان در عرصه‌های عمومی دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷، ۸۱). به گونه‌ای که هم نشینی با آنها سبب ایجاد درگیری‌های بی‌حاصل فکری و گفتاری میشود. ایشان جاهلان را پذیرای همه سخنان (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰، ۲۹۴) و عابدان جاهل را سبب فتنه‌انگیزی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۰۷). حضرت نوح(ع) نیز علت انحراف شبهه‌گران قوم خود را جهل معرفی میکند (هود: ۲۹؛ رعد: ۹).

به گواهی قرآن کریم، فتنه‌های عقیدتی و معرفتی منحرفین و تبعیت ایشان از متشابهات به واسطه بر خوردارنبودن از مقام علم، بصیرت و خرد ناب است. از مفهوم مخالف فراز پایانی آیه ۷ سوره آل عمران چنین بر می‌آید که عدم برخورداری از علم همراه با ایمان حقیقی، سبب ایجاد انحراف در منظومه معرفتی انسان میشود. به دنبال این انحراف پیروی از متشابهات قرآن برای فتنه‌گری و تأویل‌های نادرست رخ می‌نماید.

قرآن مجید، از گروهی یاد میکند که بعلت ناتوانی در روش تفکر و ناآگاهی دچار انحرافات فکری شدند. تعبیری مانند «ضعفاء» و «مستضعفین» (ابراهیم: ۲۱؛ نساء: ۹۷) دربرخی کاربردهای خود بر این گروه دلالت دارند. از سوی مقابل، بهره مندی از علم، مایه زدودن شبهات دانسته شده است. یکی از شواهد قرآنی این مفهوم، زنهار دادن آگاهان قوم موسی(ع) به فریفتگانی است که در اثر نمایش تجمل قارون دچار شبهه شده بودند (قصص: ۸).

۲.۱.۴ استوارانگاری خرافه‌ها و سنت‌های نادرست

خرافه در اصطلاح سخن دروغینی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۲۵۱) که به هر دلیلی مقبول عده‌ای قرار می‌گیرد. لغت پژوهان واژگان اساطیر، اباطیل، افسانه‌ها و طامات را با واژه خرافات مترادف دانسته شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۶۳۸؛ موسی پور، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۳۳۸) با این حساب، خرافات را می‌توان باورها و رفتار بی‌اساس و ناسازگار با خرد و

واقعیت شمرد که توده‌های جامعه آن را پذیرفته‌اند. این باورها، توان معقول‌سازی خویش در نظر پرسش‌گران را ندارند.

استوارکردن بنیان‌های معرفتی بر شناخت‌های برآمده از باورهای خرافی، زمینه‌ساز مقابله معرفت‌های مخالف با خرافات شده و در سپهر کنش‌گری فاعل شناسا، شبهه‌گری عملی را در پی دارد. خرافاتی که به شکل عادات و باورها در عموم مردم نهادینه شده بود دست‌مایه خوبی برای مخالفت با آموزه‌های انبیاء قرار می‌گرفت. به گونه‌ای که در آموزه‌های صحیح انبیا به واسطه مخالفت با باورهای خرافی، شبهه‌گری روی می‌داد. قرآن نیز در آیات فراوانی با باورهای موهومی مردمان عصر نزول، مخالفت کرده است (ن.ک: بقره: ۱۸۹؛ اعراف: ۱۳۱).

همانگونه که گفته آمد، جریان مؤلفه‌جهل در مؤلفه‌های گوناگون فرهنگ جاهلی سبب شبهه‌گری به آموزه‌های اسلام می‌شد. یکی از مؤلفه‌های فرهنگی بسیار تاثیر پذیر از عامل جهل، نظام سنت‌های نادرست و خرافی عرب عصر نزول بود. برای نمونه، قرآن علت شبهه‌گرایی مشرکان در خوردنیها را اعتقاد آنها به خرافات میدانند (مائده: ۱۰۳). مهم‌ترین باور خرافی عصر جاهلی که سبب مقابله همه جانبه مشرکین با پیامبر اسلام شد، نظام شناخت مشرکانه و مبتنی بر بت پرستی بود. جدیت مشرکین در پای بندی به باورهای خرافی، علتی برای شبهه‌گری ایشان علیه پیامبر اسلام میشد تا جایی که قرآن کریم را «اساطیر الاولین» و رونوشت افسانه‌های پیشینیان انگاشته و پیامبر اسلام (ص) را دروغ‌گو می‌خواندند (فرقان: ۴-۱۰). داستان گوساله پرستی بنی اسرائیل، دنباله‌روی مخالفان انبیاء از مسیر گذشتگان خود، فرشته پرستی، جن پرستی، فرزندکشی در پای بتان، بخت‌آزمایی و قمار، باور به فرخندگی و شومی اعداد، زمانها و برخی پرندگان (طه: ۸۵؛ مائده: ۳ و ۹۰؛ نحل: ۵۷؛ انعام: ۱۰۰)، نمونه‌هایی از سنن انحرافی و خرافاتی است که سبب طرح شبهات فکری و عملی در مسیر انبیاء می‌شد.

نمونه‌ای از نقش سنت‌های انحرافی در شبهه‌گری علیه پیامبران در ماجرای قوم لوط (ع) به چشم می‌خورد. آنان برای انکار نبوت پیامبرشان و ایجاد تردید در اذهان عموم جامعه، بر مخالفت لوط و پیروانش با سنت زشت خودشان تاکید کردند و همین امر را دست‌مایه اخراج او از محل سکونتشان قرار دادند. جالب اینجاست که مخالفان، پاکدامنی لوط را دست‌آویز شبهه‌گری عملی خویش قرار دادند (اعراف: ۸۲).

۳.۱.۴ پیش فرض‌های نادرست

پیش فرض‌های نادرست مجموعه‌ای از باورهای شناختیست که مواد اولیه برهان و استدلال در آن‌ها نادرست است. بسترهای گوناگون محیطی مانند قبیله گرایی، قوم گرایی، حزب گرایی و مؤلفه‌های فردی مانند گرایشهای مذهبی و خانوادگی در بهره‌آزین پیش فرض‌ها و تعصب بر صحت آنها، نقش آفرین هستند. بنیادی‌ترین پیش فرض‌های منظومه معرفتی هر انسانی پیرامون خدا شناسی، جهان شناسی و راهنماشناسی شکل می‌گیرند. نتیجه سربرداشتن از مبدأ هستی و انکار انبیاء، انکار معاد و عاقبت کار است. قرآن مجید انکار پروردگار، وحی (نبوت) و معاد را سه رأس یک مثلث میداند که نتیجه‌ای جز شبهه‌انگیزی درآموزه‌های انبیاء و اختلاف انگیزی در میان مومنین ندارد (ن. ک: شوری: ۳، ۸، ۱۷-۱۸).

برای نمونه، قوم نوح (ع)، ابتدا به بهانه شباهت نوح به خودشان به انکار نبوت او پرداختند (هود: ۲۷). به همین بهانه، دعوت او به حق پرستی و توحید را منکر شدند (هود: ۲۶) و برای انکار معاد نیز درخواست فوری عذاب کردند. این موضوع را در احتجاج موسی بر بنی اسرائیل و تمثیل آوردن قوم نوح و عاد و ثمود نیز می‌توان دید. این اقوام برای فرار از پذیرش نبوت پیامبران خود و در نتیجه استنکاف از پذیرش دعوت آنها یعنی توحید و معاد باوری دست به اشکال تراشی و شبهه‌سازی زدند (ابراهیم: ۹-۱۰؛ رعد: ۹-۱۰). بخشی از این انگاره‌های نادرست، برآمده از فرهنگ حاکم بر فضای زیستی شبهه‌گران است که بارزترین نمونه آن را در عرب عصر نزول می‌توان جست.

الف. تصور نادرست از آفریننده جهان

دقت نکردن به قدرت الهی در آفرینش، تدبیر و اداره هستی، موجب غلطیدن در وادی جدال‌های جاهلانه خواهد بود. این موضوع را با مفهوم مخالف از آیه ۲۰ سوره لقمان می‌توان دریافت. برای نمونه عدم توجه به آفریننده حقیقی و گستره قدرت او، یکی از عوامل شبهه‌گری گروهی از اهل کتاب در کتمان نبوت پیامبر خاتم معرفت شده است (آل عمران: ۷۱ و ۸۳). قرآن کریم یکی از دلایل اختلاف فکری یهودیان با مسلمانان را عدم توجه ایشان به باور مسلمانان درباره آفریننده هستی فکری میداند (بقره: ۱۳۹). یهود دست خدا را در تدبیر عالم بسته می‌دانستند ازینرو در آموزه الهی و عقلانی تناسب جرم و

مجازات شبهه کرده و به اختیار مطلق قایل بودند (مائده: ۶۴). علی (ع) نیز یکی از نمونه‌های شبهه‌سازان را افرادی میدانند که خدا را به مخلوقات تشبیه کردند (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۴).

ب. تصور نادرست از هستی و آفرینش

قرآن مجید، یکی از زمینه‌های درافتادن به گودال شبهات و انگاره‌های انحرافی را توجه ناکافی به آفرینش می‌داند (رعد: ۹-۱۰). برای نمونه، ناآگاهی مسیحیان از خلقت اولیه آدم (ع) و حضرت عیسی (ع)، در کنار درک نادرست از تصویرگری پروردگار در ارحام آدمیان را، سبب انحراف آنان در فهم توحید در آفرینش شده بود (آل عمران: ۶) تا جایی که حضرت مسیح (ع) را یکی از اقانیم ثلاثه و پسر خدا می‌پنداشتند. ازینرو به شبهه‌گری علیه اعتقاد مسلمین در مخلوق بودن عیسی (ع) می‌پرداختند. قرآن کریم در شصت آیه ابتدایی سوره آل عمران پس از بیان قدرت خداوند در خلقت آدمی، به بیان برخی از انحرافات فکری و عملی اهل کتاب پرداخته و سپس جریان تولد حضرت عیسی (ع) و معجزات ایشان را بازگو میکند. عدم توجه به نشانه‌های روند هستی مانند مرگ و بی‌خبری از زمان وقوع آن نیز سبب ایجاد تردید نسبت به خالق هستی دانسته شده است (انعام: ۲).

ج. تصور نادرست از نبوت، وحی و ملکوت

اصالت پدیده‌هایی مانند نبوت با مؤلفه‌های عقلانی چون بهره‌مندی از اعجاز برای اثبات پیامبری آشکار خواهد شد. اما درک چیستی و جزئیات پدیده‌های ملکوتی مانند وحی و عالم ملکوت از گستره دآوری عقل مستقل خارج است. قرآن کریم، درک نادرست و تکذیب اموری چون کتب آسمانی و وحی بر رسولان الهی را مایه غلطیدن در وادی گمراهی معرفی می‌کند (غافر: ۷۰؛ نحل: ۳۶؛ احقاف: ۳۲).

انکار نزول وحی بر آدمی، مهم‌ترین دستاویز شبهه‌گران به نبوت انبیاء ارزیابی می‌شود (انعام: ۹۱). کافران عصر پیامبر و هر دوره‌ای هم‌جنس بودن پیامبران با نوع بشر را دلیلی بر عدم نبوت ایشان می‌انگاشتند (ص: ۴، ۷، ۸؛ اسراء: ۹۲؛ ابراهیم: ۱۰). سوال استبعاد و انکاری کافران از بشر بودن پیامبران (تغابن: ۹)، شبهه‌گری در نظام رسالت شمرده می‌شود. برای نمونه، قوم نوح به سبب درک نادرست نبوت، به بهانه هم‌سانی ظاهری نوح با سایر مردم به شبهه‌گری علیه او رو آوردند (هود: ۲۵-۲۶). سوال انکاری تکذیب‌کنندگان صالح

با عبارت «أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ» (قمر: ۲۴) نیز برآمده از تصور نادرست ایشان پیرامون نبوت بود. مشرکان و برخی اهل کتاب عصر پیامبر (ص)، برای انکار نبوت ایشان، حضرت عیسی را فرزند خدا انگاشته و در پذیرش دین جدید شبهه می‌کردند (بقره: ۱۱۶). یکی دیگر از باورهای نادرست مشرکان درباره ویژگی‌های پیامبران، همراهی فرشتگان با ایشان بود. ازین رو به سبب ندیدن فرشتگان در همراهی با پیامبران، به تکذیب ایشان و شبهه‌گری در نبوتشان می‌پرداختند (زخرف: ۵۳؛ انعام: ۸؛ فرقان: ۷). قرآن کریم، اجابت درخواست‌های ایشان مانند فرستادن فرشتگان را هم سبب زدایش شبهه‌گری آنها در نبوت پیامبران نمی‌داند (انعام: ۹).

باور نادرست مشرکان درباره چیستی و جنسیت فرشتگان نیز سبب انکار آموزه‌های وحیانی میشد تا جایکه قرآن، تمثّل فرشتگان به شکل مردان را هم مایه شبهه‌گری عملی آنان دانسته است (انعام: ۹). درک نادرست از پروردگار عالم و تصور نادرست از فرشتگان سبب ایجاد نظام منحرف معرفتی در مشرکان مکه گردید به گونه‌ای که براساس این باورهای نادرست فرشتگان را دختران خدا (صافات: ۱۵۰) و جنیان را خویشاوندان خدا (صافات: ۱۵۱) می‌انگاشتند تا برای پرستش بتها به عنوان خدایان زمینی دلیل بتراشند. عبارت قرآنی «مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ» (صافات: ۱۶۲) نشان از بی‌ثمر شدن تلاش ایشان در تبلیغ این گونه عقاید برای انحراف جامعه است.

د. تصور نادرست از معاد و عدم ایمان به آن

افزون بر وجود برهان معقولیت در اثبات وجود معاد، دلایل نقلی فراوانی بر آن اقامه شده است. بنیادی‌ترین انگاره معاد ناباوران بر اصالت ماده و عدم توانمندی طبیعت بر حیات پسین آدمی استوار است. باور نادرست از قدرت الهی در برانگیختن انسان، سبب شبهه‌سازی منحرفان درافکار دیگران می‌گردد. آنان با محال دانستن انگیزش آدمی پس از مرگ و با گفتن عباراتی چون «أَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَ إِنَّا لَمَدِينُونَ» (صافات: ۵۳) به تشکیک در باور به معاد می‌پرداختند. کفرپیشگان جاهلی نیز به جهت باور به انگاره تدبیرگری طبیعت در امور هستی، برانگیختن مجدد خود را خارج از توانایی طبیعت دانسته و به انکار معاد می‌پرداختند (جاثیه: ۲۴). هم‌چنین، مشرکان مکه به سبب درک نادرست از عالم آخرت، به انکار معراج پیامبر پرداختند (نجم: ۱۲).

ه. حق‌پنداری ظنون و شک‌های معرفتی

ظن حالتی است که از نشانه‌ای حاصل می‌شود. اگر قوی باشد منجر به یقین می‌شود و اگر ضعیف باشد از وهم تجاوز نمی‌کند (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۹). واژه ظن در علوم گوناگونی مانند اصول فقه، عقاید، تفسیر قرآن و علم اخلاق بکار رفته و در هر یک معنای ویژه‌ای دارد. قرآن کریم پیروی از ظنون را مایه ضلالت و محرومیت از درک حق معرفی کرده (نجم: ۲۳، ۲۸) و نیز پندارگرایی و پیروی از گمانها را علت گمراهی از مسیر حق می‌شمرد (انعام: ۱۱۶؛ نجم: ۲۷-۳۰). هم چنین، سبب تعصب مشرکان در پیروی از گذشتگان را دنباله روی ایشان از پندارهایی میدانند که سبب آگاهی و علم نمی‌شوند (انعام: ۱۴۸). پیروی از شک و تردید زمینه ساز انکار قیامت و بعید دانستن حیات دوباره دانسته شده است (نمل: ۶۷). علی (ع) درباره آثار ناگوار پیروی از باورهای سست فرمود: «مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَطَيْتَهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ؛ هر کس از گمانه‌ها رهروی کند، لگد کوب تیره‌های شیاطین می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۵، ۳۴۸).

نظام معرفتی منکران انبیاء و آموزه‌های ایشان بر شکایات و ظنون بنا شده بود. از همین روی گمان‌های خویش را به منزله علم و آگاهی پنداشته و دعوت پیامبران را به چالش می‌کشیدند. به گواهی قرآن، دنباله روی از انگاره‌های تردید آمیز زمینه ساز کفر و شبهه‌گری در دعوت انبیاء نیز خواهد بود (ابراهیم: ۹). برای نمونه قوم یوسف در زمان حیات او درباره نبوتش دچار تردید بودند و پس از آن نیز در آمدن پیامبر جدید مشکوک بودند (غافر: ۳۴). باین حال شک خود را بسان علم دانسته و از آن پیروی می‌کردند. قوم شعبی نیز به سبب پیروی از ظنون در نبوت او تشکیک ایجاد کردند (شعراء: ۱۸۶). هم چنین گمان نادرست عادیان به دروغگو بودن هود سبب تکذیب نبوت وی گردید (اعراف: ۶۵-۶۶). قوم نوح نیز به همین سبب او را انکار کردن (هود: ۲۵-۲۷). تردیدگری بنی اسرائیل در کتاب نازل شده بر موسی نیز زاینده شک ایشان در توانمندی پروردگار به ارسال کتب بر بشر بود (فصلت: ۴۵).

منافقان عصر پیامبر نیز با اقامه کسالت بار نماز، شبهه‌ای عملی برای انحراف مومنین از جدیت بر عبادات را سامان میدادند. قرآن این حرکت ایشان را ناشی از شک در حقانیت دعوت پیامبر معرفی میکند (نساء: ۱۴۲-۱۴۳). کافران و بیمار دلان نیز با ایجاد شک و تردید در حقانیت تعالیم الهی سعی در گمراهی مردم داشتند (مدثر: ۳۱).

به گواهی قرآن حقیقت انگاری پندارهای نادرست سبب گمراه کردن دیگران (زخرف: ۳۶-۳۷)، انکار قیامت و نبوت (جن: ۶-۷)، ناتوانی خدا برحشر انسان‌ها (قیامت: ۳)، هدفمند نبودن خلقت انسان (مؤمنون: ۱۱۵)، حاکمیت غیر خدا در تدبیر امور (آل عمران: ۱۵۴)، ورود به بهشت بدون انجام اعمال صالح و تحمل سختیها (بقره: ۲۱۴؛ آل عمران: ۱۴۲) و فریب بودن وعده‌های پروردگار (احزاب: ۱۰-۱۲) خواهد شد.

۴.۱.۴ جبرباوری

جبر در لغت به معنای تغییر چیزی همراه با قهر و غلبه است (راغب، ۱۴۱۲: ۱۸۳). در اصطلاح، ایجاد فعل در آفریده‌ها به نحو است که آنان بر دفع آن فعل یا جلوگیری از پیدایش آن توانی نداشته باشند (عکبری، ۱۴۱۳: ۴۶). یکی از باورهای انحرافی برخی مکاتب فکری و اعتقادی جبر باوری است. روی آورد سطحی از مسأله قضا و قدر، دست سرنوشت را به سان عاملی مرموز، پیشران آدمی میدانند. انحصار کنش پدیده‌ها در اراده و دستور الهی روی دیگر این سکه است که هر دو در پی اثبات عدم اختیار آدمی در گزینش کارهاست. همین رویکرد سبب ایجاد شبهات در نظام معرفتی توحیدی می‌شود.

به گواهی قرآن، یکی از علت‌های شبهه‌گری مشرکان در دعوت پیامبر اسلام اعتقاد ایشان به جبر بود. آنان با پذیرش جبر، مشرک شدن خویش و گذشتگان را خواست الهی شمرده (انعام: ۱۴۸) و در مقابل دعوت پیامبر اسلام، شبهه رضایت الهی بر شرک خود را ساز می‌کردند. آنان رفتار و گفتار شرک آلود خود را مورد رضای خدا شمرده و ازین طریق اعمال نادرست خود را توجیه کرده و بر چرایی تغییر روش خود شبهه می‌کردند (نحل: ۳۵). مستکبران نیز در درازنای تاریخ برای بهره‌کشی از طبقات جامعه، تفکر جبرگرایانه را ترویج می‌کردند تا ظلمها و رفتار خویش را توجیه کرده و مردم را با وضعیت ناهنجار خو دهند. این طبقه ستمگر، برای انحراف نظام فکری توده‌های جامعه، برتری و رفتار خود را اراده الهی و نابسامانی زندگی محرومین را خواست پروردگار معرفی می‌کردند. عبارت «لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ» (ابراهیم: ۲۱) بیانگر ترویج اندیشه انحرافی جبر گرایی توسط رهبران ستم پیشه است. قرآن مجید، جبرگرایی یهود را نیز یکی از علت‌های شبهه‌گری ایشان علیه پیامبر اسلام دانسته (نساء: ۵۰؛ مائده: ۶۴) و آنرا عامل بهانه جویی ایشان در عدم پذیرش ایمان به خدا و رسولش معرفی میکند (نساء: ۱۵۵).

۲.۴ بهره از روش نامناسب استدلال

روش در لغت به معنای حرکت کردن، رفتار، شیوه، اسلوب و سبک (انوری، ۱۳۸۱: ج ۴، ۳۷۳؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۸، ۱۲۳۸۷) آمده و در اصطلاح، اسلوبها و راه‌هایی است که رسیدن به حقیقت را میسر می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ۲۰۱۵۴). تبیین، توضیح و نقد روش‌های به کار رفته در یک دانش از راه شناخت راه‌های بهره‌گیری از منابع آن، روش‌شناسی نامیده می‌شود (عارفی، ۱۳۹۸: ۴۱؛ برنجکار، ۱۳۹۸: ۲۶). که به معنای راه رسیدن به شناخت در دانشی خاص است.

نیک روشن است که مؤلفه‌های ایجاد شبهه بر بهره از مواد معرفتی و روش استدلال استوار است. ازین رو شناخت روش‌های ایجاد شبهات در شناخت فرآیند پاسخ‌گویی به آن‌ها بسیار نقش آفرین است. این روشها گاهی جنبه علمی و شناختی دارند و در پاره‌ای موارد جنبه کنشی و اخلاقی به خود می‌گیرند. برای نمونه استفاده از قیاس و استقراء نادرست با جنبه روش شناختی پیوند دارد و تکبر علمی، برخورد گزینشی و پیروی از رهبران باطل در حوزه رفتاری قابل ارزیابی هستند.

۱.۲.۴ قیاس‌های نادرست

قیاس برگرفته از قیاس، در لغت به معنای اندازه‌گیری، مقدار سنجی و تشبیه آمده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۱۸۷) و در اصطلاح علم منطق، قولی مرکب از چند قضیه مقبول و مسلم است که سبب اثبات قضیه‌ای دیگر میشوند (بهمنیار، ۱۳۷۵: ۵). بعبارتی دیگر استدلال از کلی به جزئی را قیاس گویند. پر بسامدترین گونه استدلال، همان قیاس برهانی است که از دو قضیه مقدماتی و نتیجه شکل می‌یابد. یقینی بودن مواد قیاس سبب قطعی شدن نتیجه می‌شود.

قیاس صحیح در علم منطق همان قیاس منطقی مبتنی بر یقینات است (ابن سینا، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۴۶). قرآن مجید، خود برای استدلال گاهی از قیاسهای صحیح بهره برده است. نمونه آن را در قیاس استثنایی موجود در «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء: ۲۲)، برای اثبات یگانگی خدا میتوان جست. نمونه‌ای دیگر را در احتجاج ابراهیم با نمرود می‌توان مشاهده کرد (بقره: ۲۵۸). آن جایی که ابراهیم (ع)، پروردگار خود را قادر بر میراندن و احیاء معرفی میکند، نمرود با مغالطه‌ای، توان خود در مباشرت با زنان برای تولید نسل و نیز

دستور به قتل آدمیان را همسان با قدرت پروردگار می‌شمارد تا درازدهان شبهه‌گری کند. ابراهیم (ع) درین محاجه، دو قیاس مضمم به کار برد که در هر یک مقدمه اول بر مبنای مشاهدات و مقدمه دوم که برای رعایت اسلوب ایجاز در قرآن محذوف است، معلوم و مورد اتفاق است، پس نتیجه ضروری را در پی دارد. پاسخ نمود بر استدلال‌های ابراهیم، گونه‌ای مغالطه بود که سبب گمراهی عده‌ای از پذیرش ربوبیت پروردگار هستی می‌شد.

یکی از رایج‌ترین روش‌های ایجاد شبهات، دست‌یازیدن به انواع قیاس‌های نادرست است. از آنجا که بهره از قیاس نادرست، در فرآیند ایجاد شبهات نقش عملی دارد، در حوزه روش شناسی شبهه‌گری قابل ارزیابی است. قرآن مجید، دست مایه قرار دادن قیاس‌های نادرست توسط مخالفان را یکی از روش‌های ایجاد شبهات ارزیابی می‌کند.

برای نمونه، بازخوانی تاریخ آفرینش، ابلیس را اولین موجودی معرفی می‌کند که با بیان یک قیاس نادرست، در احترام به آدم شبهه ایجاد کرد. قرآن، جریان احتجاج ابلیس به خلقتش از آتش و آفرینش آدم از خاک را قیاسی نادرست می‌داند که نتیجه‌ای نادرست، یعنی برتری ابلیس بر آدمی را در پی دارد (اعراف: ۱۱-۱۲؛ ص: ۷۵-۷۶). ماده اولیه قیاس وی مبتنی بر خود برتر بینی بود.

منکران معاد نیز از آنجا که ماده را ضعیفتر از آن می‌دانستند که بتواند دوباره برانگیخته شود و پس از مرگ و ترکیب با اجزا زمین دوباره مبعوث شود به انکار معاد روی می‌آوردند (رعد: ۲۶ و مومنون: ۳۶). عده‌ای دیگر کامروایی در آخرت را هم‌سان بهره‌مندی خود در دنیا پنداشته و ازین رهگذر به انکار عقابهای اخروی می‌پرداختند (مریم: ۷۷؛ کهف: ۳۶). منکران وجود نبوت در پیامبران نیز با مقایسه ویژگی‌های ظاهری و مادی انبیاء با سایر مردم، به نبوت ایشان شبهه وارد می‌کردند (مؤمنون: ۳۳-۳۷). هم‌چنین یهودیان به سبب قیاس پروردگار با عناصر مادی، گوساله دست‌ساز سامری را قابل پرستش می‌دانستند (بقره: ۹۳).

به کاربردن انواع قیاس‌های نادرست در ماده و صورت یکی از شگردهای مشرکان عصر نزول، در شبهه‌سازی بود. برای نمونه آیه «وَقَوْلُونَ أَإِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ» (صافات: ۳۶) می‌رساند که مشرکان با استفاده از قیاس مع الفارق آهنگین بودن قرآن را همان آهنگ شعری پنداشته و ازین رهگذر قرآن را به شعر تشبیه کرده و در نبوت پیامبر اسلام تشکیک می‌کردند. به کاربردن ماده نادرست در این قیاس، علت اصلی

شبهه‌گری آنان است. حال آنکه اولاً قرآن همان شعر با وزن و قافیه مشخص نیست بلکه ضرب‌آهنگ مخصوص به خود را دارد و ثانیاً یک وجه از شباهت سبب این همانی میان دو پدیده نخواهد بود.

شایان یادکرد است که قرآن در آیه «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ أَفْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ» (انبیاء: ۵) از سه مرحله شبهه‌گری مشرکان علیه پیامبر یاد میکند که اولین گام آن مبتنی بر قیاس نادرست است. در مرحله اول آنان ویژگی التفات در قرآن مجید را با پریشانی برخی رویاها یکسان انگاشته و دعوت پیامبر را پریشان‌گویی خواندند. در گام بعد پیامبر درست‌کردار اسلام را دروغگو و تنها مدعی نبوت دانسته و در واپسین مرحله به او نسبت شاعری دادند. این سیر شبهه‌سازی مشرکان بر قیاس مع الفارق، تصور نادرست از نبوت و اتهام‌زنی استوار بود.

۲.۲.۴ استقرای نادرست

استقراء در اصطلاح، استدلال از طریق بررسی جزئی برای دستیابی به نتیجه کلی است (حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۰). استقراء، به دو گونه تام و ناقص تقسیم میشود. جستجوی تمام افراد یک کلی و یافتن موارد اشتراک آنها برای پی‌ریزی یک قاعده فراگیر استقرای تام، و جست‌وجوی برخی افراد کلی با همین هدف را استقرای ناقص گویند. استقرای تام، یقین‌آور بوده و استقرای ناقص تنها مفید ظن خواهد بود. در استقراء ناقص، حکمی که از مواردی محدود بدست می‌آید به تمام افراد و کلی تعمیم داده میشود. چنین تعمیمی هرگز یقین‌آور نخواهد بود چرا که ممکن است حکم کلی بر فردی خارج از دایره استقراء منطبق نباشد. ازینرو چنین استقرایی در امور معرفتی راهگشا نخواهد بود. این روش از شبهه‌گری مبتنی بر مغالطه‌ای است که در دانش نوین منطق با نام مغالطه «کنه و وجه» نام‌بردار است

استقراء گرایی در قرون اخیر به اندیشه اثبات‌گرایی انجامید تا جایکه پیروان این مکتب تنها راه شناخت جهان را شناخت استقرایی میدانند. اثبات‌گراها بدون اثبات عدم کارایی روش‌های عقلی، وحیانی و شهودی تنها راه آگاهی را منحصر در روش استقرایی می‌دانند (استدول، ۱۳۸۳: ۷۱). مادی نبودن علم و ادراک (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲۷-۳۷) در کنار خطاپذیر بودن نظریه‌های مبتنی بر مشاهده مهم‌ترین دلایل بر نا استواری این روش است.

بهره از استقراء نادرست از آنجا که در ساختار ایجاد شبهه نقش آفرین است در شمار روش‌های ایجاد شبهات قرار می‌گیرد. برای نمونه قوم لوط برای طعنه به نبوت پیامبرشان، درخواست عذاب الهی کردند (عنکبوت: ۲۹). از آنجا که این قوم فساد پیشه مدتها عمل زشت خود را مرتکب میشدند و به بلایی دچار نشدند، به ادامه همان رویه پرداختند. چراکه گمان میکردند بازهم دچار حادثه‌ای ناگوار مانند عذاب الهی نمی‌شوند. استقراء نادرست، علت اساسی اطمینان آنان از عدم نزول عذاب الهی بود.

۳.۲.۴ پیروی از متشابهات

متشابه از شبهه و شبه به معنای مثل و مانند بوده و در مواردی بکار میرود که بخشی از پدیده‌ای با بخش دیگرش هم‌گونی داشته و یا این‌که این شباهت، سبب به اشتباه افتادن شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۰۵؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۶/۲۲۳۶). در برخی موارد قرآنی بر گونه‌ای التباس و اشتباه به نحو التزامی دلالت دارد. استاد معرفت متشابه را هرآن چیزی می‌داند که غبار شبهه پذیرد (معرفت، ۱۴۲۹: ۳/۱۲). باب تفعیل این ماده به شکل «شَبَّهَ فلانٌ علی» به معنای تخلیط و به شبهه انداختن و باب افتعال آن به گونه «اشْتَبَهَ الامرُ» به معنای مشکل و مشتبه شدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۰۳).

درمقابل این مفهوم، گزاره‌های قرآنی که خالی از اشکال تراشی ادبی، معنایی و عواملی مانند نسخ و تخصیص بوده و جزیک مفهوم بر نمی‌تابد محکم گویند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۳۳). بر اساس روایتی، پس از رحلت پیامبر اسلام در اثر اختلافات عقیدتی فرقه‌ها و مذاهب گوناگونی بوجود آمد که تنها یکی از آنها برحق است (عکبری، ۱۴۱۳: ۱۶۴). مهم‌ترین عامل ایجاد این فرقه‌ها برداشتهای نابجا از آیات متشابه دانسته شده است. روایات دیگر نیز به شدت از تفسیر ناآگاهانه متشابهات نهی کرده (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۶۴) و فهم آنها را در گرو پرسش از اهل بصیرت و بینش واقعی و نیز قراردادن متشابهات در نظام آیات محکم (همو، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۹۰). دانسته‌اند. برخی دیگر از اخبار نیز آیات متشابه را به علت در برداشتن الفاظ مشترک از نظر معنا، مایه اشتباه جاهلان میدانند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۹۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۲).

عدم آگاهی پیشینیان از دانش‌های عقلی، سبب می‌شد که آنها تنها به ظاهر الفاظ بسنده کنند در نتیجه در پاره‌ای آیات مربوط به واجب متعال و قیامت و امثال آن شناخت

بنیان‌ها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری ... (البرز محقق گرمی و دیگران) ۱۰۷

کافی نداشتند. در گذر زمان و پیدایش مکاتب فکری پرسش‌هایی درین موارد شکل می‌گرفت. برای نمونه در باره صفات پروردگار، گروه‌های اولیه به جهت برخوردار نبودن از صلاحیت علمی لازم در مسایل عمیق، تنها ظاهر صفات را ملاک قرار دادند ازینرو صفاتی نام گرفتند. تشبیه پروردگار به سایر موجودات زیربنای فکری مشبه گردید.

سختی فهم معانی حقیقی آیات متشابه سبب شده که عده‌ای از سرجهالت یا سوءاستفاده، تأویلاتی نادرست برای آنها در نظر گیرند که سبب ایجاد شبهات می‌شود. تفسیر ناآگاهانه و تأویل بیجا و از روی تمایلات نفسانی و بهره نگرستن از صاحبان حقیقی علم راستین سبب گرفتاری در گرداب فهم‌های نابجا از متشابهات می‌شود.

نمونه‌های فراوانی از شبهه‌گرایی برخی فرقه‌های کلامی اسلامی را میتوان مشاهده کرد. برای نمونه اشعری و پیروانش براساس آیه ۲۴ سوره انفال و مساله حیلولة خدا میان انسان و قلبش، جبر و غیر ارادی بودن ایمان و کفر را پذیرا شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۵، ۴۷۳). آیات صفات و فعل الهی، برخی آیات احکام مانند وجوب جهاد و حجاب، خلافت، مشیت و آفرینش و برخی آیات معاد ازین دسته‌اند که تاب تفسیرهای گوناگون شبهه‌انگیز را دارند.

یکی از مصادیق قرآنی غلطیدن در دامان تشابه، داستان پرسش‌های نابجای بنی اسرائیل پیرامون ویژگی‌های گاوی است که باید قربانی می‌کردند (بقره: ۷۰). نگرش‌های شبهه‌آلود عصر نزول قرآن نیز برخی آیات منسوخ در حوزه احکام را دست مایه شبهه‌گری قرار داده و می‌گفتند: «چه شد که مدتی به این آیه عمل شد و سپس آیه دیگر جای آن را گرفت؟» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۲، ۵۹۶).

ظاهرگرایی در فهم آیات یکی از عوامل پیدایش شبهات برای افرادی است که توان کافی برای فهم منظومه معرفتی قرآن ندارند. برخی عوامل دیگر پیروی از متشابهات عبارتند از: قصورنظر و پیروی از هوای نفس (شاطبی، بی تا: ج ۳، ۸۴-۸۷)، تفسیر سلیقه‌ای و مطابق با تمایلات و منافع شخصی، پیدایش فرقه‌های کلامی و مجادلات سیاسی، فاصله‌گرفتن از فضای عصر نزول و ناآگاهی به شرایط تاریخی آن عصر، تحول در زبان عربی نسبت به عصر نزول به واسطه آمیختگی فرهنگ‌های گوناگون با عرب زبانان، تعصبات گروهی و مذهبی و نیز غرض ورزی و پافشاری بی مورد و بی دلیل.

۴.۲.۴ حصرگرایی روش شناختی

منحصر کردن سوگیری‌های معرفتی در دانشی خاص و غفلت از سایر علوم و رویکردها را حصرگرایی روش شناختی می‌نامیم. پای بندی به حصرگرایی سبب محروم شدن از سایر کرانه‌های معرفتی است. برگزیدن چنین رویکردی برآمده از جهل و بی خبری یا عدم تعادل فکری است. چراکه عقل به باطل بودن همه گفتارها حکم میکند. جزم گرایی، تقلید و تعصب معرفتی و روشی شاخه‌هایی از حصرگرایی محسوب میشوند که سبب گزینش مواضع درست و انکار نسبت به سایر گستره‌هاست.

قرآن مجید با اشاره به این آسیب معرفتی، از برخی مصادیق آن چون انواع تقلید ناپسند، تعصب فکری، ماده گرایی و حس گرایی سخن می‌گوید.

الف. تقلید از گذشتگان و روش‌های کهن

تقلید در لغت، چیزی را ملازم کسی یا شخصی قرار دادن و گردن نهادن به کاری است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۲۷۶). تقلید به دو گونه پسندیده و ناپسند تقسیم میشود. بهره گرفتن از عقل، علم و هدایت طلبی، ملاکهای قرآنی تقلید پسندیده‌اند (ن.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ج ۸، ۳۳۹). تقلید از مستکبران و نیاکان در قرآن ناپسند شمرده شده است. به گواهی قرآن تقلید از نیاکان آثاری چون روگردانی از آیات خدا و اسلام، انکار معاد، حق ناپدیری، خرافه گرایی، مخالفت با پیامبران، سبب گمراهی و مانع پیروی از قرآن دانسته شده است (یونس: ۷۵ و ۷۸؛ ابراهیم: ۱۰؛ قصص: ۳۶؛ شعراء: ۷۶؛ زخرف: ۴).

باورهای نادرست در کنار تقلید از گذشتگان میتواند منظومه معرفتی نادرستی را سامان دهد که با حقانیت به ستیز برخیزد. به گواهی قرآن، محور قرار دادن پیروی از گذشتگان، زمینه ساز اولین شبهات علیه پیامبر اسلام بود (بقره: ۱۷۰؛ مائده: ۱۰۴؛ اعراف: ۲۸؛ صافات: ۶۹؛ سباء: ۴۳). تقلید و تعصب خویشاوندی نیز اساس جدال جاهلانه کافران درباره پروردگار هستی دانسته شده است (لقمان: ۲۱).

قوم حضرت نوح (ع) نیز برای انکار نبوت انبیاء، رهروی از راه پدرانشان را در مقابل دعوت انبیاء بهانه قرار می‌دادند (ابراهیم: ۱۰). سوال انکاری و توییخی ثمودیان از صالح (ع) درباره مبارزه آن حضرت با خدایان پدرانشان (هود: ۶۲) با هدف شبهه‌گری قابل ارزیابی است. عادیان نیز به سبب درست پنداری باورهای مذهبی خود دعوت هود (ع)

را به چالش می‌کشیدند (اعراف: ۷۰؛ احقاف: ۲۲) قوم شعیب (اهالی مدین) نیز با گفتن «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟» (هود: ۸۷) در عبادات و دعوت وی تشکیک و شبهه می‌کردند. چراکه آداب دینی خود را حق می‌انگاشتند. مشرکان عصر پیامبر نیز با گفتن عبارت «أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ» (ص: ۵) دیدگاه دینی خود را درست پنداشته و در دعوت پیامبر (ص) به توحید و نفی شرک شبهه می‌انگیزتند. آنان صحیح بودن روش مذهبی پدران خود را دست مایه توهین به پیامبر و شبهه‌گری در نبوت او قرار دادند (سبا: ۴۳).

ب. ماده‌گرایی و حس‌گرایی

تمایل به محسوس بودن و عینی بودن حقایق، گونه‌ای از نظام‌های ادراکی بشر است که ریشه در جهان بینی مادی آدمی و منحصر کردن روش شناخت در ماده دارد. برخی شبهه‌گرایان همه چیز را با ماده مقایسه می‌کنند. ازینرو از درک ماورا ماده و ملکوت عاجز می‌شوند. قرآن مجید، علت اصلی غفلت آدمی و انکار وعده‌های الهی را اصالت دادن به ظاهر دنیایی میداند (روم: ۷). توجه به رویکرد مخالفان پیامبران نشان می‌دهد که بسیاری از شبهات و مخالفت‌های ایشان ناشی از روحیه ماده‌گرایی و حس‌مداری است. قرآن می‌فرماید آنان فرشتگان را موجوداتی دارای دست و پا و چشم تصور می‌کرده (اعراف: ۱۹۵) و ایمان خود را به دیدن خدا و لمس فرشتگان مقید می‌کردند (فرقان: ۲۱-۲۴؛ بقره: ۵۵).

به گواهی قرآن، یهودیان با پیش شرط قراردادن رؤیت حقایقی چون خدا و فرشتگان برای ایمان آوردن خود، در دعوت موسی شبهه‌گری می‌کردند (نساء: ۱۵۳). مخالفان نبوت حضرت ابراهیم (ع) نیز گفتار او را نپذیرفته و برای اثبات نبوتش، آتش را آزمایشگر راستی دعوتش قرار دادند (عنکبوت: ۲۴). اینان به قدرت و حمایت الهی از پیامبران ناآگاه نبودند، اما به علت اعتقاد به ماده‌گرایی، راستی آزمایی نبوت را تنها از طریق آزمون‌های مادی معتبر می‌دانستند.

یکی از مهم‌ترین علت‌های بت‌پرستی را نیز در علاقه بشر به محسوسات باید جست. همین امر، زمینه ساز گمراهی و گوساله پرستی بنی اسرائیل نیز گردید تا جاییکه سامری با

صداسازی در مجسمه گوساله آنها را دعوت به پرستش آن نمود (اعراف: ۱۴۹). حس‌گرایی سبب پذیرش انگاره انسان‌خدایی فرعون، توسط توده‌های مردم گردید. به گواهی قرآن، وجود بت‌ها سبب گمراهی و انحراف فکری عملی بسیاری از مردم عصر ابراهیم شده بود (ابراهیم: ۳۶). با تحلیل پیام این آیه می‌توان دریافت که ماده‌گرایی و تشبیه پروردگار هستی به مواد و تصور نادرست از خدا سبب انحراف فکری ایشان شده بود. درمقابل حس‌گرایی و ماده‌مداری، ایمان به غیب نشانه مومنین هدایت یافته معرفی شده‌است (بقره: ۳).

ج. خودبینی علمی

خودبینی معادل فارسی تکبر، به معنای بزرگ‌پنداشتن (راغب، ۱۴۱۲: ۶۹۷) و در علم اخلاق، برتر دانستن خود از دیگران، تحقیر و خواردیدن آنهاست (ابن عدی، ۱۳۶۵: ۱۸). متکبر در برابر خدا، پیامبران و دیگرانسانها تکبر می‌ورزد. تکبر در برابر خدا که بدترین نوع آن است از نادانی سرچشمه می‌گیرد. همچون تکبر نمود و فرعون و ادعای خدایی آنان. تکبر نسبت به پیامبران نیز سبب مخالفت با دعوت آنها می‌شود.

یکی از اجزاء اصلی شبکه شناختی شبهه‌گران، کبر علمی است که با حوزه رفتاری ایشان در پیوند است. این واژه و مشتقاتش به همراه مترادفات چون عصی، طغی، عتو، ابی و جبر به‌گونه‌ای در سرتاسر قرآن پراکنده‌اند که گویی اصلی‌ترین دلیل شبهه‌گری مخالفان خودبینی علمی است. گرچه تکبر، آسیبی اخلاقی محسوب می‌شود اما وقتی در عرصه آگاهی، نقش صفت را بازی کند تبدیل به مقوله‌ای معرفتی خواهد شد. به گواهی قرآن، خوی متکبران زمین ساز رویگردانی از راه کمال و میل به انحراف فکری و عملی می‌شود (اعراف: ۱۴۶).

تکبر سبب جدال در آیات الهی، حق‌ناپذیری، گرایش به گمراهی، مانع فهم آیات و معارف الهی و تکدیب آنها، مقید کردن ایمان به رویت خدا و افترا به پروردگار می‌شود (غافر: ۳۵؛ حج: ۸؛ ص: ۱-۲؛ فرقان: ۲۱؛ زمر: ۶۰). قرآن کریم ابلیس، اشراف، برخی اهل کتاب، بنی اسرائیل، فرعونیان، قارون، کافران، مشرکان، مترفان و منافقان را از مصادیق بارز متکبران می‌داند (ن. ک. هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ج ۸، ۴۳۰-۴۳۲).

خود‌نمایی و تفاخر نیز برآمده از رذیله کبر در آدمی است که سبب ایجاد شبهه می‌شود. علی (ع) نیز از تکبر ناشی از تعصب و خودپسندی برخاسته از نادانی زنهار داده است

(شریف‌رضی، ۱۴۱۴: ۲۸۹). آیات ۵۶ الی ۵۹ سوره غافر مهمترین عامل جدال باپروردگار را تکبر معرفی می‌کند.

قرآن با به کار بردن کلید واژه استهزاء که رفتار اصلی دشمنان و ناباوران است از علت اصلی مخالفت آنها پرده بر میدارد. با کمی دقت درین آیان درمی‌یابیم که استهزاء به جهت خود برتر بینی و تمسخر دیگران ایجاد می‌شود. قرآن کریم اتهامات وارده از سوی مشرکان به پیامبر (ص)، -مانند شاعر و مجنون بودن ایشان- و شبهه تراشی‌های آنان علیه نبوت را ناشی از خوی متکبرانۀ آنان میداند (صافات: ۳۵).

براساس همین ویژگی رفتاری است که مخالفان انبیاء، در نبوت ایشان تشکیک و شبهه‌پراکنی میکنند. برای نمونه دلیل انکار نبوت حضرت صالح از سوی اشراف و ثروت‌مندان قوم ثمود، خود برتر بینی و خوی استعمارگری ایشان بود (اعراف: ۷۵-۷۶).

خداوند متعال یکی از عوامل تفرقه فکری و مادی امته را برتری جویی ایشان با وجود آگاهی از حقیقت معرفی میکند (شوری: ۱۴). گمانه زنی ملایک درباره شایستگی خود برای خلافت پروردگار و عدم کارآمدی آدم که با عبارت «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ» (بقره: ۳۰) بیان شده، گرچه ریشه در عدم شناخت و ناآگاهی از خصوصیات آدم داشت ولی به گونه‌ای رقیق‌حاوی انحصارگرایی گروهی فرشتگان در برتر انگاری خویش به‌شمار می‌آید. خود برتر انگاری شیطان نیز سبب شبهه‌گری او علیه مقام آدم (ع) شد (حجر: ۳۳). اشراف مدین نیز به سبب استکبار در فضای دعوت الهی شعیب انحراف ایجاد می‌کردند (اعراف: ۸۸).

خود شایسته‌پنداری قارون نیز سبب شد تا در دستگاه شبه استدلالی انحراف افکنی خود، با گفتن جمله «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸)، آگاهی ظاهری خود را مایه برخورداری از نعمات شمرده و اراده الهی را نادیده بگیرد. یهودیان نیز به سبب تکبر، خلود خود در عذاب الهی را انکار می‌کردند (بقره: ۸۰). خود‌گزینی و دنیا طلبی برخی مجاهدان احد نیز، زمینه ساز شکل‌گیری پندار نادرست و شبهه تراشی درباره وعده‌های خدا و پیامبر شد (آل عمران: ۱۵۲ و ۱۵۴).

ریشه شبهه‌گری در نزاهت پروردگار از تجسیم، استکبار ایشان دانسته شده است (فرقان: ۲۱). استکبار درین آیات به معنی بلند پروازی و خود بزرگ بینی است چون این

«عتو» و سرکشی، جلوی همه منطقی‌های درست را گرفته، باورها و رفتار نادرست را توجیه می‌کند (حسینی تهرانی، ۱۴۳۲: ج ۳، ۵).

۵.۲.۴ تقطیع و برخورد گزینشی

رایج‌ترین شکل شبهه‌گری، نقل قول ناقص و گزینش‌های خودخواسته از مفاهیم صحیح است. آمیختن گزاره‌های باطل با بخشی از گزاره‌های مبتنی بر حق سبب دیگرگون‌نمایی حقیقت می‌شود. این ترفند، از دو جهت روش شناختی و رفتاری قابل ارزیابی است. افزون بر این، معرفت حاصل ازین روش نیز نااستوار خواهد بود. گنجاندن آن در شمار روش‌های نامناسب استدلال، به سبب رویکرد عامدانه شبهه‌گر در استفاده از روش‌های مثل تقطیع و تحریف است. قرآن کریم این ترفند را یکی از نیرنگ‌های یهودیان برای انحراف کانونهای متأثر از تبلیغ اسلام معرفی میکند (آل عمران: ۷۱؛ نساء: ۳۷). هم‌چنین یکی از رفتارهای نادرست یهود را که سبب شبهه افکنی آنها برای دیگران می‌شد استفاده گزینشی از آموزه‌های وحیانی میدانند به گونه‌ای که بخشی از حقیقت خاتمیت که بیانگر نبوت پیامبر اسلام بود را پنهان می‌کردند و موارد نادرست دیگر را جایگزین آن می‌کردند و متفاوت جلوه می‌دادند (آل عمران: ۷۸؛ انعام: ۹۱). همین امر سبب شد که نزول قرآن بر بشری مثل پیامبر را انکار کنند. یهودیان بر اساس کتب خود بر حقانیت پیامبر اسلام آگاه بودند ولی با پنهان کردن ویژگی‌های پیامبر موعود در عهدین سعی در ناموافق‌نمایی این خصوصیات با پیامبر اسلام داشتند.

۶.۲.۴ پیروی از رهبران گمراه، شیطان و جنیان

بی‌گمان یکی از عوامل گمراهی و انحراف فکری و عملی انسانها شیطان است (اعراف: ۲۷؛ ابراهیم: ۲۲). شیطان با سوگند بر گمراه کردن انسانها، از هر مایه‌ای برای شبهه‌گری در منظومه معرفتی انسان استفاده میکند (اعراف: ۱۶). شبهه‌گری نخستین شیطان در داستان آفرینش آدمی، روشی را در نظام معرفتی موجودات بنا نهاد که در درازنای تاریخ آبخشور جبهه باطل در برابر حق‌گویان و حق‌طلبان گردید. به گواهی قرآن، شبهه‌گرایان در شبهه‌سازی و تهاجمات معرفتی خود از شیطان پیروی می‌کنند (حج: ۳؛ انعام: ۱۲۱). پیروی آدمی از فرامین شیطان، نظامی از باورها و گفتارهای غیر مبتنی بر آگاهی را شکل می‌دهد (بقره: ۱۶۹). دشمن قسم خورده آدمی با صحیح‌نمایی عقاید باطل، ایجاد جاذبه در

اعمال نادرست (نمل: ۲۴) و تحریک امیال طبیعی انسان‌ها (آل عمران: ۱۴) به گمراهی آدمی می‌پردازد.

هم چنین عده‌ای از انسانها برای یافتن پاسخ‌های خود به سراغ جنیان می‌روند. پاسخ‌های نادرست جنیان سبب گمراهی آن انسانها نیز می‌شود. انکار آخرت و نبوت دو نتیجه بنیادین پیروی ازین پاسخهاست (جن: ۶-۷)، که سبب ابراز شبهات توسط آدمی می‌شود.

پیروی از رهبران باطل نیز سبب فرو افتادن به وادی شبهات و تشکیک در الهی بودن پیامبران خواهد بود (لقمان: ۲۱). قرآن، افرادی را که تنها به گزاره‌های شبهه‌انگیز دعوت می‌کنند شایسته رهبری مردم نمی‌داند (یونس: ۳۵-۳۶). بر اساس آیات کلام وحی، سرکردگان گمراهی در آخرت نیز به سبب ایجاد انحراف در پیروان خود، به اندازه هریک باربردار خواهند بود (نحل: ۲۵).

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این جستار، نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. قرآن مجید با توجه کردن به نیازهای حوزه هدایت‌پذیری آدمی، نه تنها پاسخ شبهات بنیادین نظام خدا باوری توحیدی را فراهم آورده، بلکه به موضوع علل و بنیان‌های ایجاد شبهات در موارد گوناگونی پرداخته است.

۲. علل و عوامل ایجاد شبهات را به دو رده بنیان‌های معرفتی و بهره از روش‌های نامناسب می‌توان افراز نمود. بنیان‌های معرفتی، ماده اولیه استدلال در دستگاه شبهه‌سازی را فراهم می‌آورند. و روش‌های نادرست، ساز و کارهایی هستند که با بهره از مواد استدلال، ساختار شبهه را شکل می‌دهند.

۳. در گفتمان قرآنی، علل نادرست شناختی در روند ایجاد شبهه و شبهه‌گرایی عبارتند از: ناآگاهی، درست‌پنداری انگاره‌ها و سنت‌های خرافی، پیش‌فرض‌های نادرست و جبر باوری. روش‌های ایجاد شبهه نیز عبارتند از: قیاس نادرست، استقراء نا تمام، پیروی از متشابهات، حصر‌گرایی روش شناختی، برخورد گزینشی و دنباله‌روی از رهبران گمراه.

۴. از دلالت‌های قرآنی در فرآیند پاسخ‌گویی به شبهات می‌توان دریافت که، نخستین گام پاسخ‌گویی به شبهات، شناخت بنیانهای پیش‌گفته است.

کتابنامه

- قرآن حکیم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، اول، جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، اول، نشر جهان.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۲۰۱۴م)، تلبیس ابلیس، قاهره، مکتبه التوفیقیه.
- ابن سینا، (۱۴۰۴ق)، الشفاء (الهیات)، سعید زاید، قم، مکتبه آیه العظمی المرعشی.
- ابن عدی، یحیی، (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاخلاق، محمد دامادی، تهران، بی جا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- استدل، آروم، (۱۳۸۳ش)، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، ترجمه فریدون ناظمی، تهران، مرکز نشر انوری، حسن، (۱۳۷۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- برنجکار، رضا، (۱۳۹۸ش)، روش شناسی علم کلام، تهران، سمت، دوم.
- بهمینارین مرزبان، (۱۳۷۵ش)، التحصیل، مرتضی مطهری، تهران، دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶)، الصحاح، بیروت، اول، دار العلم للملایین.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، (۱۴۳۲ق)، معاد شناسی، مشهد، نهم، علامه طباطبایی.
- حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۳ق)، معارج الاصول، قم، آل البیت.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ش)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الالفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، (بی تا)، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، اول، هجرت.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۷)، اصول فلسفه و تالیسم، قم، مرکز بررسی های اسلامی.

بنیان‌ها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری ... (البرز محقق گرفمی و دیگران) ۱۱۵

- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، سوم، مرتضوی.
- عارفی شیرداغی، محمد اسحاق، (۱۳۹۸ش)، *روش شناسی معارف دینی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- عکبری، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، قم، اول، اسلامیة.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، اول، مطبعه العلمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، دوم، هجرت.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دوم، دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۹ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم، اول، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- موسی پور، ابراهیم، (۱۳۹۰ش)، «خرافات»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، اول، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.
- ناصری مقدم، حسین، (۱۳۸۶ش)، «جهل (۱)»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، اول، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۳ش)، *فرهنگ قرآن*، قم، دوم، بوستان کتاب .